



احتمال بازگشت ترامپ باعث ایجاد بیم و هراس در میان متحدان و امید در بین رقبای آمریکا شده است

آماده شدن برای رویارویی با ترامپ ۲

میثم اکبری
خبرنگار

دانیل درزنر، استاد روابط بین الملل در دانشگاه تافتز ایالات متحده آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «آماده شدن برای رویارویی با ترامپ ۲» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده است، به بررسی احتمال و پیامدهای پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری ایالات متحده پرداخته و این گزاره را مطرح کرده که دوران ریاست‌جمهوری احتمالی آتی او ویرانگرتر از دوره پیشین خواهد بود زیرا ترامپ اکنون از تجربه بیشتری نسبت به قبل برخوردار است. هرچند این مقاله با خوانشی نزدیک به جریان حزب دموکرات آمریکا و برای تبلیغ و ترویج ایده‌ها و اقدامات بایدن نوشته شده است، اما خوانش آن ضمن روشن کردن شکاف‌های موجود در جامعه سیاسی ایالات متحده، عمق ویرانی‌های حاصله از دوران پیشین ریاست‌جمهوری ترامپ و همچنین بیم طرفداران بایدن از روی کار آمدن مجدد او را روشن می‌سازد.

■ ■ ■

برای بیشتر کشورها، سیاست دولت بایدن نشانی از بازگشت به حالت عادی پس از هرج‌ومرج سال‌های ترامپ است. متحدان و شرکای دیرینه روابط خود را با آمریکا تقویت کرده‌اند. دیکتاتورهای دیگر با رئیس‌جمهوری در ایالات متحده سروکار ندارند که در تلاش برای تقلید از آنها باشد. قدرت‌های بزرگ رقیب هم با آمریکایی روبه‌رو هستند که تلاش خود را مصروف پیشی گرفتن از آنها نموده است. بسیاری از کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران جو بایدن، ایالات متحده به سنت بین‌الملل‌گرایی لیبرال پس از جنگ بازگشته است. مطابق این دیدگاه، دولت ترامپ یک نوسان زودگذر و نه یک نقطه عطف محسوب می‌شود.

با این حال و در پس این آرامش سطحی، بسیاری از کنشگران جهانی نگران انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا هستند. علی‌رغم چهار کیفرخواست جنایی، دونالد ترامپ هنوز هم پیشتاز کاندیداهای احتمالی ریاست‌جمهوری جمهوری خواهان است. نظرسنجی‌های فعلی نشان می‌دهد با فرض اینکه او وارد انتخابات شود، شاهد رقابتی شانه‌به‌شانه بین او و بایدن خواهیم بود. بنابراین، اگر دیگر رهبران جهان احتمال شروع دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ از ۲۰ تا ۳۰ درصد نگیرند، دست به اقدامی می‌کشند خواهند زد. کسی که بهتر از همه به این نکته آگاه است، خود بایدن است. او در اولین سخنرانی مشترک خود در کنگره در گفت‌وگو با رهبران جهان، اظهار داشته که آمریکا بازگشته است. اما پاسخ آنها این بوده است: «تا کی؟»

کارشناسان برای داشتن درکی درست از وضعیت روابط بین‌الملل در ۱۵ ماه آینده، باید چگونگی تاثیر احتمال به قدرت رسیدن دوباره ترامپ را بر نفوذ ایالات متحده در جهان مورد بررسی قرار دهند. هم متحدان و هم دشمنان ایالات متحده به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. رهبران کشورهای خارجی متوجه هستند که دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ حتی از دوره اول او شدیدتر و آشفته‌تر خواهد بود. دوزنمای بازگشت او به کاخ سفید، اتخاذ سیاست‌های احتیاطی از سوی متحدان آمریکا و عزم دشمنان آن را تشدید می‌کند. مثلاً مقامات روسیه و چین اظهار داشته‌اند که امیدوار هستند ترامپ دوباره انتخاب شود. بازگشت ترامپ به قدرت برای روسیه به معنای حمایت کمتر غرب از اوکراین خواهد بود. برای چین هم این رخداد به معنای به هم ریختن اتحاد‌های ایالات متحده با کشورهایمانند ژاپن و کره جنوبی است که به محدود نمودن پکن کمک می‌کنند. بهترین حرکت دولت بایدن در عرصه سیاست خارجی در سال آینده دست زدن به یک ابتکار دیپلماتیک با نظامی نخواهد بود؛ بلکه نشان دادن این نکته است که ترامپ در نوامبر ۲۰۲۴ برنده انتخابات نخواهد شد.

ترامپ در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود، شبکه متراکم اتحاد‌ها و مشارکت‌هایی را که ایالات متحده در ۷۵ سال گذشته ایجاد کرده بود، در هم کوبید. ایالات متحده برای متحدان دیرینه خود در اروپا، آمریکای لاتین و حاشیه اقیانوس آرام به ناگهان مجموعه‌ای گنج‌کننده از رفتارهای مدمی‌مزاچانه را به نمایش گذاشت. او متحدان آمریکا را به خاطر عدم کمک کافی به امنیت جمعی و به اتهام غارت ایالات متحده در معاملات تجاری دوطرفه موردانتقاد قرار داد؛ به علاوه، مکرراً تهدید می‌نمود که از توافقات «مقدس» قبلی ازجمله ناتو، سازمان تجارت جهانی، توافقنامه تجارت آزاد آمریکا و کره و نفتا خارج خواهد شد. در مقابل اگرچه دشمنان ایالات متحده نیز مجبور بودند با عصبانیت‌های گاه‌به‌گاه ترامپ مقابله کنند، اما از بسیاری جهات دوران صدارت او بهترین زمان برای آنها به شمار می‌رفت. ترامپ برای راه پیدا کردن به قلب ولادیمیر پوتین، شی جین پینگ و کیم جونگ اون خود را به آب‌آتش می‌زد. دولت او بین استفاده از راهبرد اجبار یا هم‌نوایی درباره این دولت‌ها سرگردان بود و معمولاً موفقیت با راهبرد دوم بود. این خودکامگان با خوشحالی از روابط تیره ایالات متحده با متحدان خود منتفع شدند. شی تاونسند در سال ۲۰۱۷ به داووس برو و عملاً اعلام کند که چین، و نه ایالات متحده، قدرت حافظ وضع موجود است. در حالی هم که کاخ سفید ترامپ سفیر ایالات متحده را از اوکراین خارج کرده و سامانه‌های تسلیحاتی جاولین را در تلاش برای وادار کردن ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به کمک به پوشش انتخاب مجدد ترامپ در سال ۲۰۲۰ متوقف نمود، پوتین می‌توانست منتظر فرصت مناسب باشد. زمانی که پوتین با شی شاهد آن بودند که رقیب‌شان دست به خودتخریبی می‌زند، نیازی به انجام اقدامات بی‌پروا نداشتند.

پیروزی بایدن بر ترامپ در سال ۲۰۲۰ به بسیاری از این رفتارهای عجیب پایان داد. بایدن ائتلاف‌های سنتی را به‌گونه‌ای که از زمان ریاست‌جمهوری جورج اچ دبلیو بوش دیده نشده بود، احیا کرد. ریچارد هاس، رئیس سابق شورای روابط خارجی آمریکا گفته است که بایدن سیاست خارجی ایالات متحده را از «اول آمریکا» به «اول اتحاد‌ها» تغییر داده است. بایدن به‌طور گسترده با رهبران اروپایی در طراحی پاسخ واشنگتن به حمله روسیه به اوکراین مشورت کرد؛ امری که منجر به شکل‌گیری درجه‌ای از همکاری فرآ‌اتلانتیکی شد

که حتی پوتین را نیز شگفت‌زده ساخت. دولت او همچنین حمایت بسیاری از متحدان خود را برای مقابله با چین به دست آورده است؛ اعمال کنترل صادرات با مشورت ژاپن و هلند، تقویت کواد و تاسیس چهارچوب اقتصادی هند-آرام، یک مجمع مذاکره تحت رهبری ایالات متحده و متشکل از ۱۴ کشور ازجمله اندونزی، کره جنوبی، تایلند و ویتنام. نظرسنجی عمومی انجام‌شده در گروهی متشکل از ۲۳ کشور مختلف -مانند مجارستان، ژاپن و نیجریه- نشان می‌دهد که بسیاری از مردم جهان در دوران بایدن نگرش مثبت‌تری نسبت به ایالات متحده در مقایسه با زمان تصدی ترامپ دارند. درعین حال، رقبایی مانند روسیه و چین مجبور شده‌اند خود را با یک رئیس‌جمهور ایالات متحده که در کنار گفتار کردار هم دارد، سازگار سازند. ترامپ به چین فحاشی می‌کرد و به آن می‌تاخت اما درنهایت بیشتر به معامله علاقه داشت تا پیشبرد منافع ایالات متحده؛ مثلاً بدون اینکه مقامات چینی را درباره بیماری نظفلور کرونا تحت فشار قرار دهد، تلاش داشت تا توافق تجاری «مرحله اول» را با پکن نهایی کند. رویکرد او به روسیه هم دمدمی‌مزانانه بود. خود ترامپ اظهار داشت که او «نور چشم» [پوتین] است. در مقابل، دولت بایدن نشان داده است که آماده و مایل به بسیج دولت فدرال برای مقابله با هر دوری این حکومت‌های خودکامه است؛ قانون تراشه و علم و قانون کاهش تورم قوانینی بسیار جاه‌طلبانه‌تر از مقرراتی هستند که در سال‌های تصدی ترامپ تصویب شده‌اند. هدف این تدابیر رسیدن به چیزی است که ترامپ فقط در مورد آن صحبت کرد: «بومی کردن» بخش‌های صنعتی حیاتی.

بایدن همچنین در جذب متحدان و شرکای جدید بسیار ماهر بوده است. ناتو گسترش یافته و فتلاند را نیز در برگرفته و به‌زودی احتمالاً سوئد نیز به عضویت آن درخواهد آمد. مشارکت سه‌جانبه ژاپن، کره جنوبی و ایالات متحده در شمال شرق آسیا تقویت‌شده است. گردهمایی رهبران این کشورها در کمپ دیوید در ماه اوت در دوران ترامپ غیرقابل‌تصور بود. بایدن در ماه سپتامبر در سفری به هائوئی با ویتنام توافقنامه مشارکت راهبردی امضا خواهد کرد که باعث تعمیق روابط بین دو کشور خواهد شد که از توسعه‌طلبی چین نگران هستند. عقد پیمان آکس با استرالیا و بریتانیا هم همکاری مبتنی با این متحدان کلیدی را تقویت کرده است. ایالات متحده همکاری‌های دو جانبه با تایوان را نیز تحکیم داده است. شرکت‌های روسی و چینی در حال درک این نکته هستند که توانایی آنها برای مفت‌سواری از نظم بین‌المللی لیبرال به خطر افتاده است.

همزمان با انزوا یافتن دشمنان ایالات متحده، بسیاری از نخندگان در این کشورها امید به کسب سودی بادآورده دارند که با بازگشت ترامپ به ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۲۵ رخ خواهد داد. کارشناسان امور چین گزارش می‌دهند که در سفرهای خود به پکن شاهد آن بوده‌اند که در چین بیشتر از خود آمریکا از ترامپ صحبت می‌شود. مقامات چینی امیدوارند دولت جدید ترامپ دوباره اتحاد‌های ایالات متحده را به هم بزند. درمورد روسیه هم سیاستگذاران اروپایی و آمریکایی روی این نکته توافق دارند که بعید است پوتین تا پس از انتخابات ۲۰۲۴ تاکتیک خود را در اوکراین تغییر دهد. یک مقام آمریکایی ناشناس در ماه آگوست به سی‌ان‌ان گفت که پوتین می‌داند ترامپ به او کمک خواهد کرد. نکته‌ای که اوکراینی‌ها و شرکای اروپایی ما هم از آن آگاه هستند. متحدان آمریکا در اروپا نیز به فکر انتخاب مجدد ترامپ هستند، یا بهتر است بگوییم از این اتفاق بیم دارند.

البته برخی کارشناسان معتقدند اگرچه ترامپ در زمان ریاست‌جمهوری خود سیاست خارجی غیرمتعارفی را اجرایی کرد، اما او به بدترین اهداف خود جامه عمل نپوشاند؛ کم‌اینکه نه ایالات متحده را از سازمان تجارت جهانی یا ناتو خارج کرد و نه سربازان آمریکایی را از پایگاه‌های خود در حاشیه اقیانوس آرام بیرون برد. این کارشناسان بر این باورند که دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، تنها تکرار غم‌انگیز دوره اول او خواهد بود. اما چنین تحلیل‌های مبتنی بر آرامشی اشتباه هستند و چنین آسودگی خیالی نایب‌جاست. ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود با نهادهای موازنه‌کننده‌های سروکار خواهد داشت که از سال ۲۰۱۶ هم ضعیف‌ترند. او همچنین در کنگره از سوی جمهوریخواهانی مورد حمایت قرار خواهد گرفت که در دیدگاه‌های خود بسیار ترامپ‌گراتر از رهبری کهنه‌کار جمهوریخواهان در پنج سال پیش هستند. نیویورک‌تایمز خبر داده که ترامپ در صورت انتخاب مجدد «قصد پاکسازی سازمان‌های اطلاعاتی، وزارت امور خارجه و بخش‌های دفاعی کشور از مسئولانی را دارد که آنها را طبقه سیاسی بیماری که از کشور متفرزند، خوانده است.» تیم سیاست خارجی خود ترامپ هم احتمالاً خالی از افرادی خواهد بود که سابقه رهبری قابل‌توجهی در امور دیپلماتیک یا نظامی دارند، بنابراین کسی وجود نخواهد داشت که مانعی دربرابر وحشی‌ترین ایده‌های او باشد. مثلاً از جیمز ماتیس وزیر دفاع دولت اول ترامپ یا حتی جان بولتون مشاور سابق امنیت ملی او، خبری نخواهد بود تا ترامپ را از اقدامات عجولانه‌اش بازدارند یا او را متقاعد کنند که نمی‌تواند مکزیک را بمباران کند یا او قادر به پایان تهاجم روسیه به اوکراین در روز نیست. دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ بسیار شبیه به آشفنگی چندماهه اخیر دوره اول ترامپ خواهد بود؛ زمانی که چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا تا آستانه بمباران ایران و خروج یکجانبه نیروهای آمریکایی از مناطق مختلف مانند سومالی و سوریه نیز رفت. همان‌طور که یکی از مقامات سابق آلمانی به نیویورک‌تایمز گفته بود: «ترامپ اکنون تجربه دارد و می‌داند از چه اهرم‌هایی استفاده کند و خشمگین نیز هست.»

ترامپ در طول دوره اول ریاست‌جمهوری خود اغلب سیاست خارجی را گروگان هوس‌های سیاسی‌اش نگه می‌داشت و البته به همین دلیل با عواقبی نیز روبه‌رو شده است؛ کم‌اینکه درخواست او از زلنسکی برای انتقال اطلاعات مخرب درباره بایدن (صرف‌نظر از صحت آن) در ازای تحویل سلاح به کی‌یف، منجر به شکل‌گیری یکی از دو استیضاح وی شد. اگر ترامپ علی‌رغم این دو استیضاح- و چهار کیفرخواست جنایی جدید- دوباره انتخاب شود، واقعا

احساس عدم محدودیت و عدم پشیمانی خواهد کرد. در دور دوم ترامپ، اتفاقاتی رخ خواهد داد که اولین دوره مسئولیت او را تبدیل به یک شوخی خواهد کرد.

ضد ترامپ کردن نظم جهانی

شایان ذکر است که هیات‌های دیپلماتیک خارجی در سال ۲۰۲۰ بر این باور بودند که ترامپ دوباره بر کرسی ریاست‌جمهوری تکیه خواهد زد. متحدان ایالات متحده به آن را داشتند که وی این بار هم به تکرار اقدامات خود در اواخر دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش بپردازد؛ خروج نیروهای آمریکایی از جهان. تا زمانی که به‌وضوح روشن نشود که ترامپ شکست خواهد خورد، نادیده گرفتن تهدیدها و فرصت‌های ناشی از دور دوم ریاست‌جمهوری او برای بقیه جهان اشتباه است. خطرات موجود در مقطع کنونی بیشتر از چهارسال پیش هستند. پاسخ به حمله روسیه به اوکراین و رشد اقتصادی چین، سیاست خارجی ایالات متحده و متحدانش را بیش‌ازپیش درهم‌آمیخته است. اگر ترامپ سکان سیاست خارجی ایالات متحده را در دست بگیرد، نتیجه یک آشفنگی بسیار گسترده‌تر خواهد بود. درصورتی‌که تحریم‌های اعمال‌شده علیه روسیه مختل شوند یا ترامپ بخواد دوباره با کیم جونگ اون دوست صمیمی شود، متحدان ایالات متحده چاره‌ای جز اتخاذ راهبرد مصون‌سازی در سال آینده ندارند. دقیقاً به همین دلیل است، چرا برخی کشورهای اروپای شرقی و فرانسه مصرند اوکراین هرچه سریع‌تر به عضویت ناتو پذیرفته شود، زیرا این احتمال وجود دارد که ترامپ در اثنای جنگ کی‌یف و مسکو به اوکراین پشت کند. درعین حال کشورهایی مانند روسیه، چین و کره شمالی انگیزه زیادی برای مقاومت دربرابر فشارهای فعلی ایالات متحده دارند، زیرا دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ سبب آسودگی آنها در عرصه سیاست خارجی خواهد شد، بنابراین بسیار بعید است که قبل از انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری آمریکا، چین اجازه گرم شدن روابط دو جانبه را بدهد یا اینکه روسیه تمایلی جدی برای مذاکرات صلح داشته باشد. مسلماً به نفع پکن و مسکو است که هر کاری در توان دارند انجام دهند تا به‌نظر برسد در صورت انتخاب مجدد بایدن، جهان در آتش خواهد سوخت.

در این میان دولت بایدن می‌تواند با نهادینه کردن هرچه بیشتر سیاست خارجی فعلی ایالات متحده به این رفتارها پاسخ دهد. با تبدیل تحریم‌های اعمال‌شده علیه مسکو به وضعیت نرمال، تاسیس سازمان جدیدی شبیه به کمیته هماهنگ‌کننده کنترل‌های صادرات چندجانبه - که به نام ککام نیز شناخته می‌شود- که درطول جنگ سرد برای مدیریت تحریم راهبردی شوروی ایجاد شده بود، عاقلانه به‌نظر می‌رسد. چنین ساختاری همچنین ممکن است برای هماهنگ کردن کنترل‌های صادراتی که ایالات متحده می‌خواهد علیه چین ایجاد کند هم مفید باشد. هرچه دولت بایدن بتواند حمایت بیشتری از کنگره را جذب خود کند، تغییر مسیر برای ترامپ دشوارتر خواهد بود.

بایدن همچنین می‌تواند از احتمال بازگشت ترامپ برای چانه‌زنی با متحدان سرکش و مخالفان دیرینه استفاده کند. لفاظی‌های خصمانه ترامپ درقبال مکزیک ممکن است سبب شود رئیس‌جمهور مکزیک، آندرس مانوئل لوپز اوبرادور، پیشنهاد‌های بایدن برای اعطای امتیازاتی در زمینه رسیدگی به مهاجرت و قاچاق مواد مخدر را آسان‌تر بپذیرد. مقامات مکزیک در مواجهه با انتخاب بین پذیرش خواسته‌های بایدن مبنی بر همکاری مکزیک در زمینه راهبردهای مهاجرت و تهدید ترامپ مبنی بر استقرار ارتش ایالات متحده در خاک مکزیک، احتمالاً پیشنهاد بایدن را خوشایند خواهند یافت. خصومت نشان داده شده ترامپ با ایران هم ممکن است بایدن را قادر سازد مذاکرات هسته‌ای را با روحانیون حاکم بر تهران آغاز کند، آن‌هم به‌شکلی که خروج مجدد از توافق را برای ترامپ پرهزینه‌تر کند، مثلاً با انتقال دارایی‌های مسدودشده ایران به طرف‌های ثالث، مانند قطر، قبل از هرگونه توافق؛ اقدامی که به مصون ماندن توافق از هوس‌های حاکم بر کاخ سفید کمک خواهد کرد. اما بهترین حرکتی که دولت بایدن می‌تواند در پاسخ به احتمال انتخاب مجدد ترامپ انجام دهد، کاهش شانسن انتخاب مجدد اوست. تا زمانی که این احتمال وجود دارد که ترامپ یا شخصی مانند او برنده ریاست‌جمهوری شود، بقیه جهان درباره دوام هر راهبرد کلان ایالات متحده تردید خواهند داشت. دولت فعلی باید ترامپ‌پسِم را

نیز مانند ترامپ مغلوب کند. ناگفته پیدا است که این امر به معنای استفاده از ابزارهای پلید برای ماندن در قدرت نیست. محتم‌ترین راه برای وقوع اقول ایالات متحده این است که مخالفان سیاسی تانکتیک‌های او را اتخاذ کنند. در عوض تیم بایدن باید از مسیر مبارزات انتخاباتی برای یادآوری هرج‌ومرج سال‌های ترامپ به آمریکایی‌ها استفاده و درعین حال بر دستاوردهای ملموس رویکرد سنتی‌تر سیاست خارجی بایدن تأکید کند. در دوران بایدن، ناتو قوی‌تر از همیشه است و همین مساله درباره روابط ایالات متحده با کشورهای پاسیفیک نیز صدق می‌کند. رویکرد بایدن درقبال چین چندجانبه- و نه یکجانبه- است و نظرسنجی‌ها حاکی است که اکثر آمریکایی‌ها طرفدار کنش چندجانبه واشنگتن هستند. اگر بایدن برای بار دوم ترامپ را شکست دهد، آن هم درحالی‌که از یک سکوی مبتنی بر بین‌الملل‌گرایی لیبرال در عرصه سیاست خارجی دست به عمل می‌زنند، متحدان آمریکا قادر خواهند بود به اشکال جاه‌طلبانه‌تر همکاری با ایالات متحده نیز اعتماد کنند. در مقابل دشمنان هم متوجه خواهند شد که نمی‌توانند به‌سادگی مقاومت کنند و امیدوار باشند که سیاستگذاران ایالات متحده نظر خود را تغییر دهند. با رجوع به خاطره سه شکست ویلیام پینچنگر برابان در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در یک قرن پیش، سومین شکست ترامپ در آرای مردمی در سال ۲۰۲۴ سیگنال قدرتمندی را ارسال خواهد کرد که احساسات مبتنی بر انزواطلبی و پوپولیستی در ایالات متحده رو به سوی بهبودی دارند.

